گزارش

بررسی لایحه آیین‌نامه مالی و معاملاتی سازمان‌های وابسته شهرداری تهران در صحن شورا

خریدهای خارجی شهرداری زیر ذره‌بین شورا

شرق: در سیصدوپنجاه‌وهشتمین جلسه علنی شورای شهر تهران، ادامه بررسی لایحه آیین‌نامه مالی و معاملاتی سازمان‌های وابسته به شهرداری، محور اصلی بحث و تبادل نظر اعضا بود. این جلسه، از ماده ۲۹ تا ۳۴ آیین‌نامه را شامل می‌شد و موضوعاتی مانند نصاب معاملات، ممنوعیت تجزیه خریدها، شفافیت و گزارش‌دهی، نحوه انتخاب کارشناسان رسمی، الزامات خرید از فروشندگان مجاز، ترتیبات اضطراری، ترک تشریفات و چارچوب خرید خارجی و از مناطق آزاد را در بر گرفت. اعضای شورا در این نشست با تأکید بر تقویت نظارت، استقلال کارشناسی و مدیریت ریسک در معاملات، راهکارهای عملیاتی و قانونی را بررسی کردند.

ماده ۲۹ آیین‌نامه، معاملات را به سه دسته جزئی، متوسط و عمده تفکیک کرده و صراحتا تفکیک غیرقانونی اقلام یک مجموعه برای دورزدن نصاب‌ها را ممنوع و تخلف محسوب می‌کند. مبنای تعیین نصاب‌ها براساس مصوبات سالانه دولت و ابلاغیه شهردار است و در تعیین قیمت فروش، کارشناسان رسمی دادگستری ملاک عمل خواهند بود. پیشنهاد شد که انتخاب کارشناسان رسمی به صورت چرخشی و از فهرست تأییدشده شورا انجام شود تا استقلال ارزیابی‌ها تضمین شود.

در معاملات عمده، رعایت تشریفات مناقصه عمومی یا محدود و مزایده الزامی است و در موارد استثنائی، ترک تشریفات باید با ارائه دلایل روشن و گزارش منظم به شورا همراه باشد. جایگاه گزارش‌های حسابرس مستقل و ارجاع تخلفات به هیئت‌های رسیدگی و مراجع قضائی نیز به‌عنوان ضمانت اجرای نظارت مستمر مورد بحث قرار گرفت.

موضوع خرید خارجی و معاملات مناطق آزاد نیز محور توجه اعضا بود. براساس آیین‌نامه، اولویت با توان داخلی و حمایت از کالای ایرانی است و انجام هرگونه خرید خارجی باید با اخذ مجوزهای ذی‌صلاح، تدوین دستورالعمل مدیریت ریسک ارزی و ثبت اطلاعات در سامانه معاملات و پورتال شفافیت همراه باشد. درباره لزوم اخذ مجوز شورا برای برخی خریدهای خارجی سازمان‌ها نیز دیدگاه‌های موافق و محتاطانه مطرح شد.

جعفر شربیانی، عضو کمیسیون شهرسازی و معماری، بر حضور ناظر شورا در کمیسیون‌های مرتبط با املاک و معاملات تأکید کرد و خواستار صراحت آیین‌نامه در ممنوعیت تجزیه معاملات و اعمال برخورد قانونی با مدیران متخلف شد. او افزود که گزارش‌های مربوط به ترک تشریفات باید منظم و مستند باشد و پیشنهاد شد تبصره‌ای برای ارائه گزارش فصلی معاملات به متن آیین‌نامه اضافه شود.

شربیانی همچنین گفت: صرف تصویب آیین‌نامه کافی نیست. شورا باید سازوکار نظارتی فعال بر اجرای آن در سازمان‌ها داشته باشد و گزارش‌های دوره‌ای دریافت کند تا در صورت بروز انحراف، اقدامات اصلاحی انجام شود.

مهدی اقراریان درباره خریدهای خارجی شهرداری به «شرق» توضیح داد: ناخودآگاه، نظارت ما بر سازمان‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه شهرداری کمتر از خود شهرداری است؛ دلیلش هم گستردگی و آزادی عمل این مجموعه‌هاست. دراین‌میان موضوع خرید خارجی با خرید کالای خارجی گاهی با هم قاطی می‌شود.

او افزود: هر کالای خارجی که شهرداری نیاز داشته باشد، اجازه خرید دارد؛ مثلا سرور، تجهیزات یا دوربین، مشروط بر اینکه در داخل تولید نشود. اما مشکل وقتی ایجاد می‌شود که سازمان‌ها یا شرکت‌هایی که نظارت کمتری بر آنها داریم، مستقیما وارد فرایند خرید خارجی شوند. این کار، ریسک فساد را به‌شدت افزایش می‌دهد.

اقراریان تأکید کرد: هرگونه خرید خارجی باید مسیر قانونی داشته باشد و سازمان‌ها بدون مجوز مستقیم اقدام نکنند. برای نمونه، اگر سازمانی نیاز به سرور دارد، باید از طریق ثبت سفارش و خرید از شرکت‌های بازرگانی واردکننده اقدام شود.

او درباره اصلاح اساسنامه‌ها گفت: «یکی از موضوعاتی که این روزها در صحن شورا در حال بررسی است، آیین‌نامه معاملاتی سازمان‌ها و شرکت‌های شهرداری تهران است. اساسنامه‌های قبلی نیاز به اصلاح داشتند و در این دوره، اصلاحات انجام شد. تا زمان تصویب آیین‌نامه جدید، سازمان‌ها و شرکت‌ها به صورت موقت براساس نامه معاملاتی شهرداری عمل می‌کنند.

اقراریان ادامه داد: تجربه خریدهای خارجی مستقیم شهرداری در این دوره نقدهایی به همراه داشته و حتی دستگاه‌های نظارتی وارد موضوع شده‌اند؛ مانند خرید اتوبوس‌های هوشمند. خرید کالای خارجی با خرید مستقیم خارجی تفاوت دارد. اگر کالایی در داخل تولید نشود، با رعایت تشریفات قانونی، وارد کشور می‌شود. اما اینکه سازمان‌ها و شرکت‌ها به تنهایی اقدام به خرید خارجی کنند، نیازمند مجوز قانونی و سواد کافی در حوزه بازرگانی است و در صورت رعایت‌نشدن، به فرایندها آسیب وارد می‌کند.

او تأکید کرد: پیشنهاد من این است که خرید خارجی از طرف سازمان‌ها و شرکت‌ها ساماندهی شود و تحت نظارت قرار گیرد و هرگونه اقدام بدون مجوز شورای شهر محدود شود. این موضوع باید در دستور کار شورا قرار بگیرد تا فرایندها شفاف و منسجم باشد و از خطرات احتمالی جلوگیری شود. مسئله خرید خارجی از طرف سازمان‌ها و شرکت‌های شهرداری اهمیت بالایی دارد و امیدوارم با تصویب نهایی آیین‌نامه، دغدغه‌ها و نگرانی‌ها برطرف شود.

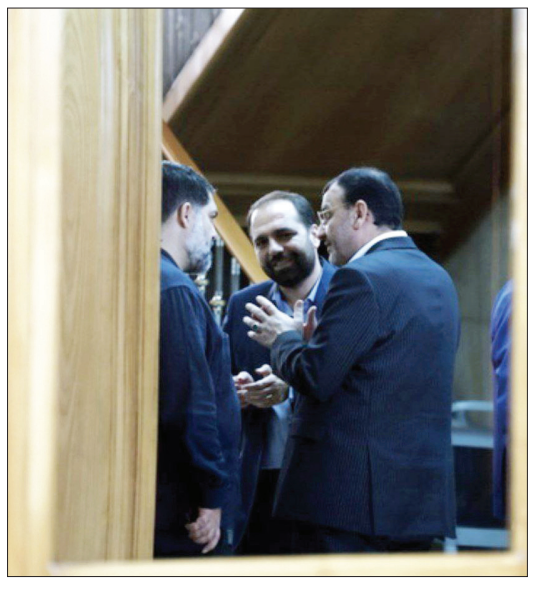

یادواره دکتر محسن حبیبی برگزار شد؛

هویت شهری و نگاه انسانی

شرق: نشست بزرگداشت دکتر محسن حبیبی، چهره ماندگار شهرسازی ایران، با حضور پژوهشگران، معماران و شهرسازان برگزار شد. اسکندر مختاری، پژوهشگر و عضو هیئت‌علمی دانشگاه، محور پنج دهه تلاش‌های استاد فقید برای فهم و بازتعریف هویت شهری و احترام به انسان در شهر را تشریح کرد. مختاری با گرامیداشت یاد دکتر حبیبی گفت: سخن‌گفتن از دکتر حبیبی آسان نیست، زیرا او در مرتبه‌ای از علم و معرفت قرار داشت که شهر و علم شهر را با نگاهی انسانی و فلسفی می‌نگریست. با این حال، هرکس که از آثار او آموخته باشد، حق دارد درباره او سخن بگوید. او ادامه داد: هویت شهری نخ تسبیح اندیشه‌های دکتر حبیبی است. در تمامی نوشته‌ها و پژوهش‌های او، تلاشی برای فهم چیستی شهر و بازتعریف هویت در بستر تحولات تاریخی دیده می‌شود. او شهر را نه صرفا کالبد فیزیکی، بلکه موجودی زنده و برخوردار از روح اجتماعی و فرهنگی می‌دانست. مختاری با اشاره به نگاه تاریخی استاد فقید بیان کرد: حبیبی معتقد بود فهم امروز شهر بدون شناخت تاریخ شهرنشینی ایرانی ممکن نیست. او از هزاره نهم پیش از میلاد تا امروز، سیر شکل‌گیری شهر را دنبال کرد و تاریخ شهرسازی ایران را در سه دوره پیش از اسلام، دوران اسلامی و معاصر دسته‌بندی کرد. او افزود: در تحلیل شهر معاصر، دکتر حبیبی با صراحت از «شهرسازی آمرانه» سخن گفت؛ شهرسازی‌ای که از بالا و به واسطه سرمایه تحمیل می‌شود، نه از دل نیازهای اجتماعی. با این حال، او به ترمیم‌پذیری شهر باور داشت. می‌گفت شهر حتی از دل اجبار معنا می‌سازد؛ همان‌گونه که محلاتی مثل نارمک، نازی‌آباد و بهجت‌آباد امروز بخشی از حافظه جمعی تهرانی‌ها شده‌اند. مختاری توضیح داد:

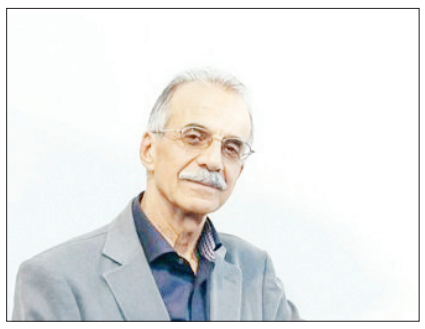

حبیبی شهر را متنی می‌دانست که میان انسان و فضا گفت‌وگو برقرار می‌کند. از نگاه او، شهر فقط مجموعه‌ای از فرم‌ها نیست، بلکه محمل معناست؛ معنایی که از پیوند انسان و فضا زاده می‌شود. او افزود: در آثار متأخر، استاد به نسبت شهر با هنر، ادبیات و موسیقی پرداخت و باور داشت شهر با فرهنگ و خلاقیت شهروندان زنده است. فهم شهر مقدم بر هر نوع مداخله است، زیرا هویت شهر از همین درک متقابل میان انسان و فضا شکل می‌گیرد. مختاری مسیر فکری حبیب را در سه گام تاریخ‌نگری برای درک ریشه‌های شهر، نقد شهرسازی آمرانه و تاکید بر زمینه‌های اجتماعی و حرکت از فرم به معنا؛ از شهر به انسان و از انسان به شهر خلاصه کرد. او گفت: دکتر محسن حبیبی ۵۰ سال از عمر خود را صرف فهم شهر کرد. او شناخت شهر را هم‌معنا با اعطای هویت به آن می‌دانست؛ زیرا شهر همواره عرصه گفت‌وگو و تعامل است؛ میان انسان با دیگری و میان انسان با خویش». جواد عرفانی، معمار و شهرساز هم در این نشست گفت: «دکتر حبیبی معماری را صرفا دانش فنی نمی‌دید، بلکه آن را در ارتباط با هنر، زیبایی، فرهنگ و هویت اجتماعی می‌فهمید. نگاه فرهنگی او به شهر و معماری، نسل‌های مختلف دانشجویان و پژوهشگران را به بازاندیشی در مفهوم شهر ایرانی ترغیب می‌کرد». زهره دودانگه، پژوهشگر مطالعات شهری هم یادآور شد: پژوهش‌های استاد نشان می‌دهد چگونه سکونتگاه‌های خودگردان، مانند اسلامشهر، زندگی روزمره مردم را سامان می‌دهند. او تلاش کرد نظریه‌های شهری را بومی‌سازی کند و تفاوت میان جامعه مدنی سنتی و شهرهای نوین سرمایه‌داری را برجسته کند». دودانگه با بیان مثال‌هایی از سازماندهی زندگی روزمره در اسلامشهر توضیح داد: «زنان و کودکان نقش اساسی در نگهداری محلات دارند؛ کمک به انجام تکالیف، تبادل مواد خوراکی و ساماندهی کارهای خانگی نمونه‌هایی از این خلاقیت‌های اجتماعی است». ناصر فکوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران، هم در پیام تصویری گفت: تجربیات جهانی نشان می‌دهد نقش تسهیلگری شهرسازان در تغییر نگرش به سکونتگاه‌ها حیاتی است. به‌جای تهدیددیدن این مناطق، باید آنها را فرصتی برای مشارکت اجتماعی دانست». عبدالرضا گلپایگانی، مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران هم یادآور شد: دکتر حبیبی در پروژه ثبت جهانی خیابان ولی‌عصر حضور داشت و نگاه علمی و فرهنگی به پروژه را تقویت کرد. او سال‌ها در کمیته‌های راهبری شرکت بازآفرینی شهری عضویت داشت و بسیاری از رویکردهای نو در این شرکت مرهون تلاش‌های اوست.

زندگی روزمره سالمندان پایتخت؛ بین مراقبت، کم‌تحرکی و تنهایی

روزمرگی‌های سپیدمویان تهرانی

شرق: پژوهشی جدید از مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران نشان می‌دهد سالمندان تهرانی چگونه وقت خود را تقسیم می‌کنند؛ از مراقبت شخصی و کارهای خانگی گرفته تا کمبود ورزش و محدودیت‌های اجتماعی. این داده‌ها نه‌تنها کیفیت زندگی آنان را نشان می‌دهد، بلکه تصویر روشنی از آینده‌ای پیرتر برای جامعه تهران ارائه می‌کند. اگر فکر می‌کنید بعد از ۶۰سالگی وقت آزاد زیادی پیدا می‌کنید، سالمندان تهرانی نظر دیگری دارند. بیشتر آنان روزهای خود را میان کارهای خانه، مراقبت از خود و کمی تماشای تلویزیون تقسیم می‌کنند. براساس داده‌های رسمی، نیمی از شبانه‌روز سالمندان (حدود ۱۲ ساعت) صرف خواب، غذا خوردن و انجام کارهای شخصی می‌شود. این عدد با افزایش سن بیشتر هم می‌شود؛ برای مثال، سالمندان بالای ۷۵ سال نزدیک به ۱۳ ساعت در روز را به استراحت و مراقبت از خود اختصاص می‌دهند. اما وقتی نوبت به کارهای خانه می‌رسد، شرایط تغییر می‌کند. ۹۰ درصد مردان سالمند هیچ مشارکتی در کارهای خانه ندارند، درحالی‌که تنها ۲۸ درصد زنان از انجام این وظایف خودداری می‌کنند. تقریبا ۴۰ درصد از زنان سالمند روزانه بین چهار تا ۱۰ ساعت را به آشپزی، نظافت و مراقبت از خانواده اختصاص می‌دهند. این داده‌ها نشان می‌دهد که بخش درخورتوجهی از بار خانه همچنان بر دوش زنان سالمند قرار دارد.

از سوی دیگر، تنها ۱۳ درصد از مردان سالمند و چهار درصد از زنان در فعالیت‌های شغلی حضور دارند. میانگین ساعات کاری آنها نیز اندک است؛ مردان حدود ۱.۵ ساعت و زنان تنها یک ساعت در روز مشغول فعالیت‌های اقتصادی هستند. اکثرا این کارها پاره‌وقت یا مشاغل کوچک خانگی‌اند. ورزش و فعالیت بدنی در میان سالمندان تهرانی وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد. تقریبا ۸۰ درصد از آنان اصلا ورزش نمی‌کنند؛ یعنی از هر پنج نفر، چهار نفر حتی ۱۵ دقیقه در روز فعالیت بدنی ندارند. تنها سه درصد از مردان سالمند بیش از یک ساعت در روز ورزش می‌کنند. وضعیت در مناطق شمال و مرکز شهر مانند نارمک، یوسف‌آباد و سعادت‌آباد کمی بهتر است، اما در جنوب تهران کم‌تحرکی تقریبا قاعده است. بیشتر وقت آزاد سالمندان تهرانی صرف تماشای تلویزیون، گفت‌وگو با خانواده و انجام کارهای سبک خانه می‌شود. فعالیت‌هایی مانند سفر، مطالعه یا حضور در فعالیت‌های فرهنگی هنوز سهم کمی دارند. در جنوب و شرق پایتخت، سالمندان عمدتا روزهای خود را در خانه و با کمترین تحرک می‌گذرانند. پژوهش تازه مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران نشان می‌دهد زندگی روزانه سالمندان، در نگاه اول شبیه همه ماست: خواب، غذا، استراحت و رسیدگی به کارهای شخصی. اما بررسی جزئیات نشان می‌دهد تفاوت‌های عمیقی وجود دارد. به طور میانگین، هر سالمند تهرانی ۱۲ ساعت از شبانه‌روز را صرف «خودمراقبتی» می‌کند. این بخش شامل خواب، خوردن غذا و رسیدگی به نیازهای شخصی است. باقی ساعات روز میان فعالیت‌های ورزشی، تفریحی، فرهنگی، کارهای خانگی بدون مزد و در مواردی کارهای مزدبگیر تقسیم می‌شود.

این داده‌ها نشان می‌دهد حتی در دوران بازنشستگی، «فراغت کامل» آن‌چنان که تصور می‌شود، وجود ندارد و سالمندان همچنان مسئولیت‌های سنگینی بر دوش دارند، به‌ویژه در خانه و خانواده. یکی از یافته‌های مهم پژوهش مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، نقش پررنگ زنان سالمند در کارهای خانگی بدون مزد است. به طور میانگین، زنان سالمند روزانه حدود چهار ساعت را صرف آشپزی، نظافت، مراقبت از همسر یا نوه‌ها و دیگر امور خانه می‌کنند. در مقابل، مردان تنها حدود یک ساعت در روز را به این فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند. این تفاوت ریشه در سنت‌های ریشه‌دار جنسیتی دارد و نشان می‌دهد زنان حتی پس از بازنشستگی رسمی همچنان درگیر وظایف خانگی‌اند. برای بسیاری از آنان، دوران سالمندی نه فرصتی برای استراحت، بلکه ادامه چرخه تکراری خانه‌داری است. این وضعیت پیامدهای اجتماعی و روانی مهمی دارد؛ زنان سالمند فرصت کمتری برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و اجتماعی دارند که بر سلامت جسمی و روحی آنان اثر منفی می‌گذارد. درحالی‌که انتظار می‌رود سالمندان پس از بازنشستگی به کارهای تفریحی یا داوطلبانه بپردازند، بخش درخورتوجهی از مردان سالمند همچنان درگیر کارهای مزدبگیر هستند. به طور میانگین، مردان سالمند روزانه حدود ۱.۵ ساعت در فعالیت‌های اقتصادی حضور دارند، این عدد برای زنان تنها یک ساعت است. گرچه کم به نظر می‌رسد، اما برای بسیاری از خانواده‌ها همین درآمد اندک می‌تواند بخشی از هزینه‌های زندگی را پوشش دهد.

اشتغال مداوم سالمندان نشان‌دهنده فشارهای اقتصادی جامعه است. بسیاری از آنان به جای انتخاب داوطلبانه، به دلیل نیاز مالی به فعالیت ادامه می‌دهند. ورزش که یکی از عوامل کلیدی در سلامت و کیفیت زندگی سالمندان است، در میان مردان رواج بیشتری دارد. داده‌ها نشان می‌دهد مردان سالمند به طور متوسط دو تا سه ساعت بیشتر از زنان به فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و فرهنگی اختصاص می‌دهند.

این تفاوت ریشه در چند عامل دارد: محدودیت زمانی زنان به دلیل کارهای خانگی، نگاه سنتی که ورزش را برای زنان سالمند کمتر ضروری یا در دسترس می‌بیند و کمبود فضاهای امن برای ورزش زنان در محلات مختلف. پیامد این شکاف روشن است: سلامت جسمی و روحی زنان سالمند در معرض تهدید بیشتری قرار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد ۲۱.۵ درصد زنان سالمند به‌تنهایی زندگی می‌کنند، درحالی‌که این رقم برای مردان تنها ۵.۲ درصد است. علت اصلی این تفاوت، فوت یا جدایی همسر است. زنان به طور متوسط عمر طولانی‌تری دارند، اما این طول عمر همراه با تنهایی است. تنهایی نه‌تنها بر سلامت روان تأثیر می‌گذارد، بلکه بر نحوه گذران وقت نیز اثرگذار است. زنانی که تنها زندگی می‌کنند، معمولا زمان بیشتری را صرف تماشای تلویزیون و فعالیت‌های فردی می‌کنند و کمتر در جمع‌های اجتماعی حضور می‌یابند. تحصیلات یکی از عوامل تعیین‌کننده در الگوی گذران وقت سالمندان است. داده‌ها نشان می‌دهد ۳۶ درصد زنان سالمند بی‌سوادند، درحالی‌که این رقم برای مردان تنها ۱۸ درصد است. سهم مردان دارای تحصیلات دانشگاهی به مراتب بیشتر است. این تفاوت تحصیلی آثار گسترده‌ای دارد: مردان تحصیل‌کرده بیشتر در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی حضور دارند، درحالی‌که زنان بی‌سواد یا کم‌سواد زمان بیشتری را صرف کارهای خانگی یا فعالیت‌های منفعلانه می‌کنند. سطح سواد همچنین بر توانایی استفاده از امکانات دیجیتال و ارتباطی اثر دارد؛ مردان تحصیل‌کرده بیشتر از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای پرکردن وقت خود استفاده می‌کنند. وضعیت اقتصادی سالمندان نیز نقش مستقیم بر الگوی گذران وقت دارد. سالمندانی که وضعیت مالی بهتری دارند، بیشتر در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و فرهنگی شرکت می‌کنند، درحالی‌که سالمندان کم‌درآمد معمولا وقت خود را در خانه و با فعالیت‌های کم‌هزینه سپری می‌کنند. فقر سالمندی به معنای محرومیت از تجربه‌های تازه است؛ زیرا بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در تهران با هزینه همراه است. حتی دسترسی به پارک‌ها و فضاهای عمومی برای سالمندانی که مشکلات حرکتی دارند یا وسیله نقلیه ندارند، دشوار است.

براساس تحقیق، ۷.۲ درصد زنان سالمند و ۵.۴ درصد مردان سالمند برای انجام امور روزمره به کمک دیگران نیاز دارند. این آمار نشان می‌دهد زنان بیش از مردان در معرض محدودیت‌های جسمی قرار دارند. این وضعیت بار مضاعفی بر دوش خانواده‌ها و به‌ویژه دختران و عروس‌های خانواده می‌گذارد که معمولا نقش اصلی در مراقبت از سالمندان دارند. نبود نظام رسمی مراقبت اجتماعی باعث شده این نیازها به طور کامل بر دوش خانواده‌ها بیفتد. گرچه پژوهش تمرکز ویژه‌ای بر تماشای تلویزیون ندارد، اما داده‌های مقایسه‌ای نشان می‌دهد بخش زیادی از وقت سالمندان در خانه صرف دیدن برنامه‌های تلویزیونی می‌شود. این الگو به‌ویژه در میان زنان بی‌سواد یا کم‌سواد و سالمندان تنها پررنگ‌تر است. تلویزیون برای بسیاری از آنان تنها دریچه ارتباط با جامعه است؛ اما هم‌زمان نشانه‌ای از انزوا و کمبود مشارکت فعالانه در اجتماع نیز محسوب می‌شود.

داده‌ها نشان می‌دهد خودمراقبتی (خواب و استراحت) بخش بزرگی از وقت سالمندان را پر می‌کند. زنان بخش مهمی از وقت خود را صرف کارهای خانگی بدون مزد می‌کنند، درحالی‌که مردان پیوند بیشتری با فعالیت‌های اقتصادی دارند. ورزش و فعالیت‌های فرهنگی در میان مردان رواج بیشتری دارد و زنان بیش از مردان به تنهایی و کمک در امور روزمره نیازمند هستند. تحصیلات و وضعیت اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت گذران وقت سالمندان دارد. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد بخش بزرگی از وقت سالمندان تهرانی صرف «خودمراقبتی منفعلانه» مانند خواب، استراحت و نشستن می‌شود. درحالی‌که تحرک بدنی در میان سالمندان، به‌ویژه زنان، بسیار پایین‌تر از حد مطلوب است. پزشکان و متخصصان سالمندی بارها هشدار داده‌اند که کم‌تحرکی یکی از عوامل اصلی بروز بیماری‌های مزمن مانند دیابت، فشار خون، پوکی استخوان و مشکلات قلبی است. وقتی زنان سالمند روزانه تنها زمان محدودی را به ورزش اختصاص می‌دهند و عمده وقت خود را در خانه سپری می‌کنند، ریسک ابتلا به این بیماری‌ها افزایش می‌یابد. در مقابل، مردانی که همچنان به ورزش یا کارهای پاره‌وقت می‌پردازند، از تحرک بیشتری برخوردارند و سلامت جسمی‌شان بهبود می‌یابد. با این حال، ادامه فعالیت اقتصادی برای بسیاری از مردان نه انتخابی آزادانه، بلکه ضرورت اقتصادی است که خود می‌تواند فشار روانی ایجاد کند. تنهایی یکی از پررنگ‌ترین واقعیت‌های زندگی سالمندان تهرانی است. یک‌پنجم زنان سالمند تنها زندگی می‌کنند. تجربه جهانی نشان می‌دهد زندگی تنها در سالمندی با افزایش احتمال افسردگی، اضطراب و حتی اختلالات شناختی مانند زوال عقل همراه است. افسردگی در سالمندی نه‌تنها کیفیت زندگی فرد را پایین می‌آورد، بلکه هزینه‌های سنگینی بر خانواده و نظام سلامت تحمیل می‌کند. بسیاری از زنان سالمند که ساعت‌ها تلویزیون تماشا می‌کنند، در واقع درگیر چرخه‌ای از انزوا و بی‌انگیزگی هستند. کمبود فعالیت‌های گروهی و اجتماعی نیز ذهن سالمندان را کمتر به چالش می‌کشد. مشارکت در فعالیت‌های جمعی، مطالعه، بازی‌های فکری یا گفت‌وگو با دیگران حافظه و توانایی شناختی سالمندان را تقویت می‌کند و در نبود این فعالیت‌ها، خطر فراموشی و آلزایمر افزایش می‌یابد. سالمندان تهرانی نقشی دوگانه در خانواده دارند: از یک سو، به مراقبت نیاز دارند؛ از سوی دیگر، نقش حمایتی ایفا می‌کنند. بسیاری از زنان سالمند ساعت‌ها وقت خود را صرف نگهداری از نوه‌ها می‌کنند؛ کاری که از دید اقتصاد رسمی «بدون مزد» است اما ارزش اجتماعی و اقتصادی عظیمی دارد. این نقش حمایتی برای خانواده‌ها حیاتی است؛ بدون حضور سالمندان، بسیاری از زوج‌های جوان نمی‌توانند به کار تمام‌وقت ادامه دهند یا هزینه‌های سنگین مهدکودک را بپردازند.

با این حال، بار سنگین مراقبت می‌تواند سالمندان را از فعالیت‌های اجتماعی و فراغتی محروم کند. بخشی از مردان سالمند همچنان به‌عنوان نان‌آور خانواده عمل می‌کنند که نشان‌دهنده شکنندگی اقتصاد خانوار در تهران است؛ جایی که حتی بازنشستگی نمی‌تواند پایان کار اقتصادی باشد. فقر سالمندی یکی از واقعیت‌های تلخ اما کمتر دیده‌شده است. سالمندانی که حقوق بازنشستگی اندکی دریافت می‌کنند یا فاقد مستمری‌اند، ناچارند الگوی گذران وقت خود را براساس کمترین هزینه‌ها تنظیم کنند. برای این گروه، رفتن به باشگاه ورزشی، سفرهای کوتاه یا شرکت در کلاس‌های آموزشی تقریبا غیرممکن است. آنها بیشتر وقت خود را در خانه سپری می‌کنند و تنها سرگرمی‌شان تلویزیون یا گفت‌وگوهای محدود خانوادگی است. فقر نه‌تنها جیب سالمندان را خالی می‌کند، بلکه زمان آنان را نیز می‌بلعد و به چرخه‌ای از انزوا، کم‌تحرکی و بیماری دامن می‌زند.

شاید مهم‌ترین پیامد الگوهای گذران وقت این باشد که سالمندان احساس می‌کنند در تصمیم‌گیری‌های کلان جایی ندارند. در بسیاری از مصاحبه‌های کیفی، سالمندان گفته‌اند: «هیچ‌کس از ما نمی‌پرسد وقت‌تان را چگونه می‌گذرانید یا چه چیزی می‌خواهید». این احساس حذف‌شدگی اجتماعی می‌تواند به همان اندازه خطرناک باشد که بیماری‌های جسمی. اگر سالمندان احساس کنند در حاشیه قرار گرفته‌اند، اعتمادشان به جامعه و نهادهای رسمی کاهش می‌یابد و حتی نسل‌های جوان‌تر نیز پیام منفی دریافت می‌کنند: «آینده شما هم همین است». مطالعه مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران روشن می‌کند سالمندان بخش جدایی‌ناپذیر از آینده این شهرند. در شرایطی که جمعیت تهران به‌سرعت پیر می‌شود، سیاست‌گذاران نمی‌توانند چشم خود را بر واقعیت‌ها ببندند. مسئله تنها یک موضوع فردی یا خانوادگی نیست، بلکه یک چالش شهری و ملی است؛ زیرا الگوهای گذران وقت سالمندان بر سلامت عمومی، اقتصاد خانواده‌ها، هزینه‌های درمانی و سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

گزارش

توافق بدون ضمانت اجرا

ادامه از صفحه ۵

این امتیازگیری نشان داد نخست‌وزیر اسرائیل به‌خوبی از نیاز به توازن میان فشار بین‌المللی و مطالبات داخلی آگاه است. بسیاری از تحلیلگران اسرائیلی معتقدند دوگانگی مواضع نتانیاهو بیش از هر چیز ریشه در بقای سیاسی او دارد. او با پرونده‌های قضائی متعدد و فشارهای ائتلافی دست‌به‌گریبان است و هر توافقی که رنگ امتیاز به فلسطینیان داشته باشد، می‌تواند پایه‌های قدرتش را متزلزل کند. مفسران سیاسی در تل‌آویو یادآور می‌شوند که نخست‌وزیر از ابتدای جنگ غزه تاکنون بارها میان شعارهای تند و تصمیم‌های میانه‌روانه در نوسان بوده و این نوسان در نهایت به کاهش اعتماد عمومی منجر شده است. برخی تحلیلگران حتی می‌گویند نتانیاهو در تلاش است هر توافقی را به گونه‌ای هدایت کند که همزمان بقای شخصی او تضمین شود و پایگاه راست‌گرای او از دست نرود.

مواضع فلسطینیان و اعراب

در سوی دیگر ماجرا، تشکیلات خودگردان فلسطین از طرح ترامپ استقبال کرد. حسین الشیخ، معاون رئیس تشکیلات، آن را گامی در راستای پایان جنگ و تحقق «صلحی عادلانه براساس راه‌حل دو دولت» دانست. مهم‌ترین کشورهای عربی نیز در بیانیه‌ای مشترک، ابتکار آمریکا را ستودند و تأکید کردند این توافق مانع آوارگی فلسطینیان خواهد شد و از الحاق کرانه باختری جلوگیری می‌کند.

با وجود این، کارشناسان و سیاست‌مداران فلسطینی تردیدهای جدی دارند. دایانا بوتو، مذاکره‌کننده پیشین فلسطینی، در گفت‌وگو با واشنگتن‌پست، هشدار داد که این توافق در عمل به معنای «کنترل دائمی اسرائیل بر غزه» است. او پرسید: «چه تضمینی وجود دارد که اسرائیل واقعا عقب‌نشینی کند؟ چه کسی آنان را مجبور خواهد کرد؟». بسیاری از فعالان فلسطینی نیز بر این باورند که طرح بیش از آنکه راهی به سوی استقلال باشد، نوعی واگذاری حق وتوی دائمی به اسرائیل است. آنان به تجربه توافق‌های گذشته اشاره می‌کنند و می‌گویند درحالی‌که فلسطینیان بارها امتیاز داده‌اند، اسرائیل در عمل حاکمیت امنیتی خود را تثبیت کرده است.

کارشناسان فلسطینی هشدار می‌دهند که هرگونه توافق بدون ضمانت اجرائی روشن، محکوم به شکست است. آنها می‌گویند تجربه پیمان اسلو هنوز در حافظه جمعی فلسطینیان زنده است؛ توافقی که وعده دولت مستقل می‌داد اما عملا با گسترش شهرک‌سازی و تداوم محاصره بی‌اعتبار شد. بوتو و دیگر تحلیلگران تأکید می‌کنند که اگر جامعه بین‌المللی سازوکاری واقعی برای اجبار اسرائیل به پایبندی نداشته باشد، توافق جدید نیز به سرنوشت مشابه دچار خواهد شد. آنان همچنین یادآور می‌شوند که فلسطینیان با موجی از بی‌اعتمادی عمومی روبه‌رو هستند و بدون تغییر این فضا، هرگونه طرح بازسازی به شکست خواهد انجامید.

معادله‌ای شکننده

تحلیلگران غربی هم به جنبه ژئوپلیتیک ماجرا توجه دارند. آنان بر این باورند که حمایت کم‌سابقه کشورهای عربی از طرح ترامپ-نتانیاهو نه‌تنها حماس، بلکه معدود بخش باقی‌مانده از عمق استراتژیک ایران در منطقه را هدف گرفته است. همین امر می‌تواند واکنش‌های سخت تهران و متحدانش را در پی داشته باشد و ناامنی تازه‌ای در لبنان یا دریای سرخ ایجاد کند. کارشناسان غربی هشدار می‌دهند که در غیاب راه‌حلی پایدار، امکان دارد این توافق تنها به جابه‌جایی بحران از غزه به نقاط دیگر منجر شود.

در نهایت، آنچه در کاخ سفید به‌عنوان طرحی برای پایان جنگ و آغاز بازسازی معرفی شد، در عمل شکننده و پر از تناقض جلوه می‌کند. ترامپ و نتانیاهو موفق شدند اجماعی کم‌سابقه میان اسرائیل، آمریکا و چند کشور عربی علیه حماس ایجاد کنند، اما فشار داخلی از سوی راست‌گرایان اسرائیلی و بی‌اعتمادی بخش بزرگی از جامعه فلسطینی این اجماع را سست کرده است. این ابتکار می‌تواند هم فرصتی بی‌سابقه برای تغییر مسیر منطقه باشد و هم به سرنوشت بسیاری از طرح‌های پیشین دچار شود که در نهایت راهی به آرشیو شکست‌های تاریخی بردند.